



جزئیات جدید و حیرت انگیز از افزایش پیرمجردها و سالمندان تنها در ایران

رشد شتابان سالمندان تنها یا سالمندان همیشه مجرد؛ خبر ساده می نماید. اما کافی است کنکاشی در آن داشته باشید.

شد شتابان سالمندان تنها با سالمندان همیشه مجرد؛ خبر ساده می نماید. اما کافی است کنکاشی در آن داشته باشید. به گزارش ایسنا، تابناک نوشت: افتاب که به زاویه ای مایل می افتد، سایه ها بلند می شوند. سایه هایی که نه از درختان کهن، که از قامت خمیده ی سالمندان تنها می افتد. سایه هایی که هر سال بلندتر و پررنگ تر می شوند، بی آنکه کسی به اندازه ی کافی به آن ها توجه کند.

در فاصله ی میان دو خبر، میان سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، رقمی که از یک میلیون و سیصد هزار سالمند تنها به نزدیک به هفت میلیون نفر می رسد، نه فقط عددی خشک، که روایتی از تغییرات ژرف اجتماعی است. تغییراتی که آرام و بی صدا، مثل فرسایش خاک، بنیان های جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد.

زنانی که روزی مادران خانه بودند، امروز در خانه هایی خالی، با دیوارهایی که صدای قدم هایشان را پس می دهد، تنها مانده اند. پنجاه و پنج درصد زنان سالمند، بی همسر. سه و نیم میلیون زن، تنها. این ها فقط آمار نیستند، این ها مادرانی هستند که شاید هنوز عکس فرزندانشان را روی طاقچه نگه داشته اند، فرزندی که یا رفته اند یا آنقدر درگیر زندگی خودشان هستند که فرصتی برای مادران سالخورده شان ندارند.

و مردان؟ تعدادشان کمتر است، اما آن ها هم در این تنهایی سهیم اند. ششصد هزار مرد سالمند، تنها. برخی هرگز ازدواج نکرده اند، برخی همسرانشان را از دست داده اند، و برخی دیگر، شاید به خاطر همان تغییر فرهنگی که فرزندان را از والدین دور کرده، در انزوای پیری گرفتار شده اند.

رقم هایی که فریاد می زنند
در فاصله کوتاه بین مهر ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۴، اتفاقی عجیب رخ داده است؛ جمعیت سالمندان تنها در ایران از ۱.۳ میلیون نفر به ۶.۸ میلیون نفر رسید. این یعنی در کمتر از سه سال، شمار کسانی که در پاییز زندگی، تنها و بی پناه مانده اند، بیش از پنج برابر شده است. آنچه روزی زنگ هشدار آرام بود، امروز به آذیری بلند تبدیل شده است.

در سال ۱۴۰۱، نزدیک به نیمی از زنان سالمند (۴۹ درصد) بی همسر بودند. اما امروز در ۱۴۰۴، این رقم به ۵۵ درصد رسیده است. پشت این درصدها، اعداد گویاتری نهفته: از ۶۳۷ هزار زن سالمند تنها در ۱۴۰۱، امروز به ۳.۵ میلیون نفر رسیده ایم. رشدی ۵۵۰ درصدی که نشان می دهد چگونه زنان سالمند، قربانیان خاموش این تغییرات اجتماعی هستند. و البته در آنسو روایتگر قصه مردان نیست که بسیار بیشتر از زنان فوت کرده ک زانانشان امروز تنهایند.

پیران مجرد
تا سال ۱۴۰۱، آمار رسمی از سالمندانی که هرگز ازدواج نکرده اند وجود نداشت. اما امروز، ۸۰ هزار سالمند مجرد بدون سابقه ازدواج شناسایی شده اند. این عدد شاید کوچک به نظر برسد، اما نوک کوه یخی است از تغییر الگوهای زندگی که در آینده به بحرانی بزرگتر تبدیل خواهد شد. در سال های آینده باید در انتظار اعداد و ارقام عجیبی در این زمینه باشیم.

در سال ۱۴۰۱، هزینه نگهداری از یک سالمند ماهانه ۹ تا ۱۰ میلیون تومان بود. امروز با وجود تورم سرسام آور، این رقم چقدر می شود؟ نسبت انبساط حقوق کارگری و کارمندی چگونه است؟ این به معنای کاهش شدید قدرت خرید خانواده هاست؛ بسیاری دیگر توانایی مراقبت از والدین سالخورده خود را ندارند. و خانه سالمندان؛ جایی که از هر ششصد و چهل سالمند، فقط یک تخت وجود دارد. و در میان همین تعداد کم، سی درصدشان مجهول الهویه اند. رها شده اند. مثل شیئی کهنه که کسی دیگر نیازی به آن ندارد.

در سال ۱۴۰۱ پیش بینی می شد تا سال ۱۴۳۰، سی درصد جمعیت ایران را سالمندان تشکیل دهند. اما روند فعلی نشان می دهد این اتفاق ممکن است تا ۱۴۲۵ رخ دهد؛ پنج سال زودتر.

یک سوم عمر در سایه
میانگین سن بازنشستگی، پنجاه و دو سال است و امید به زندگی، هفتاد و پنج. یعنی بیست و سه سال، یک سوم عمر، در حالی سپری می شود که فرد نه شغلی دارد، نه برنامه ای، و گاهی نه حتی خانواده ای. در دنیا، بانک زمان وجود دارد؛ جایی که افراد برای سال های پیری شان سرمایه گذاری می کنند. اما اینجا، هیچ کس برای سالمندی آموزش ندیده است.